

عنوان: از جاری ترنم اندیشه؛ به انگیزه پاسداشت شهادت استاد مطهری و روز معلم

نشریه: جمهوری اسلامی؛ ۸۲/۲/۱۰

به انگیزه پاسداشت شهادت استاد مطهری و روز معلم

می خواستم از تو گویم این باره سرود

دیدم که فراتری از این شعر فرود

خاموش شدم زانکه جاری می شد

از دیده دو رود و بر لبم نیز درود

در هر عصر و نسلی، پرتو مشعش ستاره ای از تبار خورشیدیان، چراغ هدایت سرگشتگان نو گمراهانی می شود و قلم شیوا
یا زبان مرهم گونه اش، غبار جهل را از چهره آنان می زداید.

شهید و الامقام، مرتضی مطهری یکی از عالمان بیدار و معماران اندیشه در دوران نطفه کشی افکار اسلامی و حقیقت جو بود.
او به مثابه يك محیی آگاه، گره گشای خیل اذهان و اخورده از هویت دینی و ملی و سامان بخش اعتقادات و باورهای رنگ
باخته مردم، رخ نمایاند و با تکیه بر آموزه های متقن و مدلل خود از معارف سرشار دینی و تاسی از پیش قراولان ارشاد و
هدایت، قدم در ساخت و ساز فرهنگ اسلامی بیمار نهاد و با شناساندن گنجینه هایی از مسایل ناب اسلامی به جوانان و
دانشجویان، حق و منتهی عظیم را بر گردن نسل جوان این مرز و بوم گذاشت.

استاد شهید مرتضی مطهری در ۱۳ بهمن ۱۲۹۸ هجری شمسی در خانواده ای مذهبی و روحانی در شهر فریمان دیده به
جهان گشود. پس از گذراندن دروس مکتبی و هم زمان با حماسه خونین مسجد گوهرشاد و مبارزه بی امان مردم به رهبری
روحانیت، وارد حوزه علمیه مشهد شد، اما مشاهده حوادث گوناگون، آرامش درونش را بر آشفت، دغدغه ای مدام در
وجودش آغزیدن گرفت و آنگاه برای کاری سترگ و علیرغم میل بسیاری از دوستانش به قم رهسپار شد.

ذهن سیال و جستجوگر شهید و علاقه وافرش، روح مطالعه و اندیشیدن را در ضمیرش به فعالیت واداشت و در کوتاه مدت به
عنوان یکی از اساتید معروف و نامور شهرت یافت؛ به طوری که شاگردان بسیاری از دریای بیکران علم و اندیشه ناب او
توشه ها چیدند و خود از اساتید نامبردار و دانشور چهره شدند.

تلمذ در محضر بزرگان گرامی چون حضرت آیه الله العظمی بروجردی (ره)، علامه طباطبائی، میرزا علی آقا شیرازی و
امام راحل (رحمهم الله تعالی) از او فقیهی توانمند، فیلسوفی شهیر، متجددی متقی و مبارزی خستگی ناپذیر به همگان
شناسانده بود؛ شخصیت کم نظیری که پاره تن و حاصل عمر امام بود. عالم جاودانه ای که سراسر عمر گرانمایه اش را در راه
تحقق اهداف عالی اسلام و آشنایی جوانان و دانشجویان با مبانی اصیل آن صرف کرد و يك تنه با ک روی ها و اخوردگی
های فرهنگی به پیکار برخاست.

او نه تنها يك فرهیخته عالم و سیاستمداری دین مدار بود، بل به گواه بسیاری از اندیشمندان و عالمان، متفکری عمیق، متکلمی
بصیر و مبارزی عدالت جو بود. به شهادت اهل فن و مکتوبات و سخنرانی هایش، او خاطره بزرگانی چون فارابی و خواجه
نصیرالدین طوسی را در ذهنها تداعی می کرد و این همه عظمت و شوکت علمی را به اعتراف خودش از دریای علوم و
معارف اسلامی برای خود خریده است. وی در جایی می نویسد ...: از حدود بیست سال پیش که قلم به دست گرفته، مقاله یا
کتاب نوشته ام، تنها چیزی که در همه نوشته هایم آن را هدف قرار دادم، حل مشکلات و پاسخ گویی به سیوالاتی است که در
زمینه مسایل اسلامی در عصر ما مطرح است.

استاد مطهری به مسایل فرهنگی و اجتماعی و مقتضیان زمان خود و نفوذ فرهنگ اجنبی در ایران به خوبی آگاه بود. او معتقد بود که بشر امروزی برای رهنمایدن خود از گرداب بی هویتی اجتماعی، فرهنگی و حتی سیاسی، باید با معارف اسلامی آشنا شود و روح قوانین اسلامی را درک کند.

شهید مطهری اسلام را یگانه مکتبی می دانست که برای اشخاص جامعه شخصیت قایل است و بر این باور بود که اسلام در عین حال که برای جامعه، شخصیت قایل است، امتیازات واقعی افراد را نیز نادیده نمی گیرد و برای اصالت و استقلال او ارزش و احترام می گذارد.

نکته ای که به عنوان برگ زرینی در طول حیات سراسر مبارزه او به عیان مشخص است، مبارزات پی گیر او به همراه استاد بزرگش امام (قدس سره) در آگاهی بخشی مردم و تحریک و تحریر آنان به ادامه قیام و در نهایت شکل گیری انقلاب اسلامی می باشد. سلسله نوشته ها و مقالات ایشان و سخنرانیهای کوبنده و آتشین در حسینیه ارشاد، اولاً عامل هدایت و روشنگری جوانان و دانشجویان بود و ثانیاً آنان را برای ادامه مبارزه عدالت جویانه برضد رژیم طاغوت مصمم ترمی ساخت. استاد مطهری در عصر بحران هویت مسخ انسانیت انسان، در حالی که جوانان بسیاری در هاله ای از فرهنگ و تکنولوژی غربی محو شده بودند، در برابر تمام این التقاطها و کج فهمی ها ایستاد و پله های ترقی و صعود از فرود را به آنان آموخت و برای انبوه سیوالتیهای اعتقادی و شبهات فکری شان پاسخهای نغز و مستدل به ارمغان آورد و نسل سرگشته از اصل و هویت خویش را به حقیقت وجودی اش آشنا کرد.

او برای برآوردن نیازهای نسل جوان و فراگیری علوم و معارف اسلامی، سخنرانی و مقاله را کافی نمی دانست و معتقد بود باید مراکزی احداث شود که در آن علوم و معارف حقه الهی و علوم مرتبط با آن چون روانشناسی، جامعه شناسی، مکاتب فلسفی و بالخصوص مکاتب مادی تدریس شود.

آری، مطهری بسان یک مطهر واقعی اندیشه ها، سهم انکارناشدنی خود را در زدودن غبار غفلت و بازآیی جوانان به هویت مذهبی و ملی اصیل خویش به خوبی ایفا کرد و همه عمرش را در تب و تاب روشنگری و ابهام زدایی و ارشاد آنان گذراند، به طوری که نسل امروز هنوز از قلم و بیان او میوه های آگاهی و روشنگری می چینند. او با قلمی روان و فکری توانا در تحلیل مسایل اسلامی و توضیح حقایق فلسفی با زبان مردم به تعلیم و تربیت جامعه پرداخت. آثار قلم و زبان او بی استثنا آموزنده و روان است و مواظ و نصایح او که از قلبی سرشار از ایمان و عقیده است نشأت می گرفت، برای عامی و عارف سودمند و فرح زاست.

... و اینک که در پاسداشت گرامی معلم دلسوز و درآشنا و اسوه ای کم نظیر قلم می زنیم، حرمت و شوکت تمام معلمان متعهد را به نیکی قدر می دانیم و زحمات بی شایبه و مجاهدتهای آنان را در تعلیم و تربیت دانش آموزان کشورمان ارج می نهیم. امیدواریم که شعشعه نور قلم و زبان شهید مطهری که از خامه او تراویده، همچونان گوهري درخشان در ژرفنای وجودمان پرتوافکن باشد و نسل نوآموز امروز و فردای ما را به روشنائی طریق هدایت رهنمون باشد. ان شاءالله